



اشاره:

از منظر رهبر انقلاب، نظام اسلامی در تحولات سیاسی اجتماعی امروز که از آن به پیچ تاریخی یاد می‌شود، نیازمند دو عنصر «ایمان و امید» است.

آنچه پیش روست نگاه مرحوم علامه مصباح یزدی به این دو عنصر کلیدی در این برهه حساس است که از سوی حجه‌الاسلام و المسلمین دکتر هادی حسین‌خانی از اعضای هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه) بیان شده است.

اتکاء به خدا، منشأ ایمان و امید

عوامل تقویت‌کننده ایمان و امید در منظومه فکری مرحوم علامه مصباح یزدی

استادحسین‌خانی:

موضوع امید از موضوعاتی است که رهبر معظم انقلاب تقریباً می‌شود گفت بی‌استثنا در همه جلسات و دیدارها بر روی آن تأکید دارند و واقعاً موضوع قابل توجهی است، خود حضرت علامه مصباح آن جایی که اهمیت مسئله امید را می‌خواهند بیان کنند یک داستانی را مثال می‌زنند از حضرت عیسی (علیه‌السلام) که از یک مسیری عبور می‌کردند پیرمردی را دیدند که با کهنوت سن مشغول کشاورزی بود همانجا تعجب برای ایشان پیش آمد که پیرمردی با این سن و سال چرا بیل دست گرفته و کشاورزی می‌کند از خدای متعال خواستند که امید از ایشان گرفته شود چون می‌دانستند که این پیرمرد حتماً امید دارد که محصول خوبی به دست بیاورد خدای متعال هم امید را از دل این پیرمرد بیرون برد حضرت عیسی فرمودند پیرمرد همان لحظه بیل را زمین گذاشت و گرفت خوابید در همان مزرعه و هیچ اقدام و حرکتی از او دیده نشد بعد حضرت عیسی از خدای متعال خواستند که امید را دوباره برگردانند پیرمرد بلافاصله بلند شد و بیل را دست گرفت و شروع به کار کرد مرحوم علامه مصباح می‌فرمایند که حیات انسان اصلاً به این امید است دلگرمی انسان به امید است اگر

کسی امید نداشته باشد تقریباً مرگ برایش خیلی در دسترس است و اقدامی از او سرنمی‌زند. این خود نشان‌دهنده نقش امید و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی است. منتها بحث بر سر این است که این امید را چگونه باید در انسان ایجاد کرد و چگونه باید آن را تقویت کرد؟ حالا با یک بررسی مختصری که در آثار مرحوم علامه مصباح شده چند عامل را مشاهده می‌کنیم که ایشان بر آن تأکید داشتند به عنوان عوامل تقویت‌کننده امید، تا حدی که فرصت شود به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.



سختی‌هایش بالاخره از ید قدرت خدا خارج نیست و من با تکیه بر قدرت خدای متعال می‌توانم این مشکلات اخلاقی و اعتقادی را هم پشت سر بگذارم.

دومین عامل، همراهی علم و عمل

این یک نکته پس یکی از عوامل ایجاد امید تقویت شناخت است. در عین حالیکه مسئله شناخت خیلی مهم است اما اگر این شناخت با عمل تلفیق شود تأثیرگذاری آن خیلی بیشتر خواهد شد و لذا ایشان می‌فرمایند که تلفیق فکر و عمل، تفضلات الهی و انوار رحمت و هدایت را به قلب انسان هدایت می‌کند و اطمینان سکینه آرامش و امید را در انسان به وجود می‌آورد یعنی نمی‌شود ما به صرف شناخت بسنده کنیم. اینکه در آیات قرآن خدای متعال انبیاء را به عمل ترغیب می‌کند و دستور به عمل می‌دهد «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ»، «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» اینها را که برای افراد معمولی نگفتند، برای پیغمبر خدا گفتند با آن اوج معرفت و شناختی که از آن برخوردار بودند با این حال می‌گویند که انبیاء الهی هم باید پا پیش بگذارند و اقدام کنند تا این اقدام باعث شود که رحمت خدای متعال شامل حال فرد بشود.

مثلاً ایشان می‌فرمایند اگر کسی توبه کرد باید قضای نمازی را که از او فوت شده بجا بیاورد به صرف اینکه من توبه کردم نمی‌تواند اکتفا بکند و امیدوار باشد که خدای متعال او را مورد رحمت قرار می‌دهد اگر حقوقی را از کسی پایمال کرده ابتدا باید این حقوق را ادا کند بعد امیدوار باشد که خداوند او را ببخشد.

فرهنگ پویا: در قرآن که مدام بر عمل صالح تأکید

می‌شود بخاطر توجه به عمل کردن است؟
استاد: بله و اینکه صرفاً من یک امیدی داشته باشم بدون هیچ‌گونه اقدام و عمل این به نظر می‌آید امید صادق نباشد در بعضی منابع از آن تعبیر به امید کاذب کردند اینکه من همینطوری بدون هیچ اقدام و عملی بخواهم به یک نتیجه ای برسم و امیدوار به یک نتیجه‌ای باشم البته اینها باید در طول زمان اتفاق بیفتد البته تدریجی است و آدم باید به صورت مستمر اینها را دنبال بکند یعنی اگر به صورت مستمر دنبال کرد نتیجه بخش خواهد بود کما اینکه در روایاتی هست از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه به امام حسن نوشتند که عَوَّدَ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ خودت را به صبر کردن بر ناملایمات عادت بده اینکه حالا من یک‌بار دوبار یک اقدامی را کردم این نمی‌تواند امید کامل

تقویت معرفت، اولین گام برای تقویت امید

اولین پایه امید، تقویت معرفت است، چراکه امیدهای ما بر پایه معرفت شکل‌گیری می‌شود. همان‌گونه که ترسی در ما ایجاد می‌شود بر پایه شناخت یک خطر است هنگامی که بدانم چیزی برای من خطرناک است از آن می‌ترسم و اگر احساس کنم که در مقابله با آن امر خطرناک از دست من هیچ کاری برنمی‌آید احساس ناامیدی می‌کنم و اگر بدانم می‌توانم از طریق خطر را از خود دفع کنم، در من ایجاد امید شده و اقدام به عمل می‌کنم.

حالا چه شناخت‌هایی چه معرفت‌هایی می‌تواند ما را به سمتی برود که امید در ما تقویت شود؟ یکی از آنها را ایشان می‌فرماید «توجه به اسماء و صفات خدای متعال» است. ایشان می‌فرمایند وقتی اسامی پروردگار را از قبیل رحمان رحیم سمیع بصیر منعم غفور و غیره بر زبان جاری می‌کنیم توجه پیدا می‌کنیم که پروردگاری مهربان شنوایینا و آمرزنده داریم و در نتیجه به رحمت و آمرزش او امیدوار می‌شویم وقتی من توجه پیدا می‌کنم که پروردگاری دارم با این صفات که نگرانی من را می‌داند نیاز من را می‌شنود شرایط من را دارد می‌بیند و قدرت کامل هم برای برطرف کردن نیاز من دارد امیدوار می‌شوم خیلی جدی‌تر می‌توانم آن مسیری که باید برای حل مشکل طی بکنم را طی بکنم. بنابراین یکی از عواملی که باعث می‌شود امید در من تقویت شود این است که من به صفات و اسماء خدای متعال شناخت پیدا بکنم و با توجه به آنها این شناخت برای من ایجاد می‌شود که مسائل قابل حل است و در سخت‌ترین شرایط اگر یک زمینه کوچکی وجود داشته باشد می‌شود به حل مشکل امیدوار بود.

فرهنگ پویا: با توجه به این همه هجمه که به اعتقادات

می‌شود آیا این شناخت که موجب امید می‌شود شامل شناخت‌های اعتقادی هم می‌شود؟

استاد حسین‌خانی: اتفاقاً ایشان بر این مطلب تأکید دارند. من در ادامه بیشتر به این مطلب خواهیم پرداخت ولی حضرت علامه در این خصوص مثال‌هایی می‌زدند ایشان می‌گویند همین هجمه‌ها در مسائل اخلاقی و اعتقادی در گذشته هم بوده و خدای متعال این هجمه‌ها را به لطف خودش برطرف کرده.

توجه کردن به اتفاقاتی که در گذشته رخ داده خود حاکی از این است که همان‌طور که در گذشته این مشکل پیش آمد و با عنایت خدای متعال این مشکل برطرف شد خدا که همان خداست فرقی نکرده شرایط امروز هم با همه

سومین نکته‌ای که در آثار مرحوم علامه مصباح به عنوان عامل تقویت‌کننده‌ی امید مطرح است، تقویت ایمان به خدای متعال است. از نظر ایشان هرچقدر ایمان ما به خدای متعال تقویت شود، امید ما بیشتر می‌شود.



را ایجاد کند. نیاز به استمرار و تکرار و تمرین دارد تا نتیجه بخش شود.
این مورد دوم پس ۱. شناخت ۲. عمل

عامل سوم، تقویت ایمان به خدا

سومین نکته‌ای که باز در آثار مرحوم علامه مصباح به عنوان عامل تقویت‌کننده امید مطرح است تقویت ایمان به خدای متعال است. از نظر ایشان هرچقدر ایمان مان به خدای متعال تقویت شود امید ما بیشتر می‌شود ایشان در زمینه مسائل علمی می‌فرمایند که در موضوعات علمی اگر ایمان داشته باشیم امید به رسیدن به درجات بالای علمی خواهیم داشت اگر نه آن ایمان نباشد چنین اتفاقی نمی‌افتد بعد مثال می‌زنند می‌گویند شما اگر یک مطلب علمی را چندبار مطالعه کردید و متوجه نشدید یک مسئله علمی بفرنجی را بارها نگاه کردید و به نتیجه نرسیدید کم کم این را کنار می‌گذارید و از پیگیری کردن آن ناامید می‌شوید ولی اگر امید داشته باشید که خدای متعال بالاخره راهگشاست و می‌تواند در حل این مسئله به شما کمک کند ناامید نخواهید شد بعد مثال می‌زنند به ابن سینا که ایشان گفته هر وقت یک مسئله‌ای برای من مشکل می‌شد به مسجد می‌رفتم دو رکعت نماز می‌خواندم و از خدا حل این مسئله را درخواست می‌کردم خدای متعال هم کمک می‌کرد که آن مسئله حل شود.

بنابراین ایمان به خدای متعال که یک پله از آن بحث اول که صرف شناخت بود بالاتر می‌رود این باعث می‌شود که ما در سخت‌ترین مسائل حالا چه مسائل علمی چه مسائل نظامی چه مسائل اخلاقی اگر ایمان به خدا را پشتوانه کارمان قرار بدهیم و به حل آن مسئله امیدوار باشیم.

عامل چهارم، تذکر و یادآوری

عامل دیگری که حضرت علامه در خصوص عوامل ایجادکننده امید مطرح می‌کنند تذکر و یادآوری است. ایشان می‌فرمایند: بعضی چیزها هستند که ما نسبت به آن‌ها شناخت داریم چه بسا ایمان هم داریم منتها

اینها از ذهن ما دور می‌شوند و مورد توجه فعلی ما قرار ندارند اگر من سعی کنم به یک شکلی این مطالب را یادآور شوم و همیشه مورد توجه قرار بدهم باز این خودش خیلی کمک می‌کند به اینکه امید در دل من ایجاد و تقویت شود بعد به مواردی اشاره می‌کنند یکی از آن موارد یاد خود خدای متعال است که در بحث‌های قبلی تقریباً به آن اشاره شد که بالاخره ما هرگاه در سخت‌ترین شرایط قرار بگیریم به عنوان مثال ما امروزه با یک پدیده نگران‌کننده‌ای مثل فعالیت‌هایی که دشمن دارد انجام می‌دهد در زمینه عفاف و حجاب مواجه هستیم باید خیلی نگران‌کننده باشد وقتی وضعیت جامعه را داریم می‌بینیم گوشه‌هایی از جامعه با تلاشی که دشمن در این زمینه دارد انجام می‌دهد نگران‌کننده است ولی وقتی یاد می‌کنیم که خدای متعال سخت‌ترین شرایطی را که ما حداقل در دوران انقلاب خودمان با آن مواجه بودیم مشاهده کردیم و خدای متعال به لطف خودش چگونه اینها را برطرف کرد این امید را در ما ایجاد می‌کند البته نه به این معنا که ما دلخوش باشیم به اینکه خدای متعال همه مشکلات را حل می‌کند. نه، به این معنا که من باید بالاخره پا پیش بگذارم و قدم بردارم و امیدوار باشم که این شاءالله خدای متعال یاری خواهد کرد.

در همین زمینه یادآوری، یاد کردن انبیاء گذشته و جریاناتی که بر انبیاء گذشته اتفاق افتاده آن هم خیلی قابل توجه هست در آیات قرآن ما این را داریم این آیه شریفه خیلی جالب مطلب را می‌رساند که خدای متعال می‌فرماید آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد همان‌ها که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آنها رسید و آنچنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که با او ایمان آورده بودند گفتند پس یاری خدا کی خواهد آمد مَتَى نَصْرُ اللَّهِ این مَتَى نَصْرُ اللَّهِ این سخن فقط حرف اطرافیان پیامبر نبوده خود آن پیامبر هم به اینجانب رسید انقدر فشار زیاد شد که گفت مَتَى نَصْرُ اللَّهِ این نشان می‌دهد که واقعاً کار خیلی سخت می‌شود آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است این حالا نمونه‌هایش را در تک‌تک زندگی انبیاء ما می‌توانیم مشاهده کنیم یک موردش که رهبر معظم انقلاب خیلی مثال می‌زنند همین جریان

عامل پنجم، اعتماد به وعده الهی

مورد دیگری را من عرض بکنم و بحثمان را تا همین جا متوقف می‌کنیم علاوه بر اینکه خدای متعال به مطالب گذشته اشاره می‌کند و توجه کردن به مطالب گذشته باعث می‌شود که امید در ما تقویت شود یک‌سری وعده‌های الهی است که امید را در ما تقویت می‌کند. مرحوم علامه مصباح به این موارد نیز توجهات را جلب می‌کنند.

در برخی موارد موفقیت‌های موقتی دشمنان در برخی از عرصه‌های فرهنگی، نظامی و اقتصادی این احساس را در ما به وجود می‌آورد که جبهه مقابل دارد پیروز می‌شود و در ما ایجاد ناامیدی می‌کند. اما اگر به وعده‌های الهی توجه کنیم همانند این آیات که اشاره دارند به: «لِيُظَهِّرَهُ عَلِيَّ الدِّينِ كُلَّهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» در ما ایجاد امید می‌کند که بالاخره باطل از بین رفتنی است اینطور نیست که شما فکر کنید باطل همینطور مدام دامنه وجودیش را می‌تواند گسترش دهد «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» این زمین را قرار است بندگان صالح من به ارث ببرند این پیش‌گویی‌ها که در آیات قرآن هست و در روایات در خود نهج‌البلاغه هم امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به آن اشاره می‌کنند اینها هم باز روح و نور امید را در دل انسان تقویت می‌کند که حالا یکی از روشن‌ترین آن همین بحث ظهور حضرت ولیعصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است که بالاخره قرار است که آن نور مقدس الهی ظاهر شوند و به برکت این ظهورشان همه تاریکی‌ها را از بین ببرند بر این اساس توجه کردن به این اتفاقاتی که در آینده می‌افتد این کمک می‌کند به اینکه من امیدوار شوم و البته نه به این معنا که اختیاری از من گرفته شود و بدون اختیار این اتفاق بیفتد قطعاً اینها آینده را روشن می‌کند که من بتوانم خیلی جدی تر حرکت بکنم که من بدانم بالاخره در این مسیر توفیق هست تا آنجایی که نه من توفیقی نبینم بالاخره در این مسیر حرکت من تأثیرگذار است.

این پنج عامل است که براساس دیدگاه‌های مرحوم علامه مصباح می‌تواند امید را در ما تقویت کند: ۱. شناخت ۲. عمل ۳. ایمان به خدای متعال ۴. یادآوری مسائلی از جمله خود خدای متعال و سرگذشت انبیاء پیشین و نعمت‌های خدا ۵. توجه کردن به وعده‌های الهی که در قرآن کریم و روایات شده و آینده را یک آینده خیلی روشنی نشان می‌دهد که ما می‌توانیم با اقدام و عمل به آن آینده روشن برسیم.

حضرت موسی (علیه‌السلام) که وقتی به دریا رسیدند اطرافیان حضرت موسی گفتند إِنْ لَمْ تُرَكِّبْ دِيكَرَ كَارِ تَمَامِ شُدْ. فرعون‌ها که دارند می‌آیند، مقابلمان هم که دریای با این جوش و خروش قرار دارد. اینجا حضرت موسی (علیه‌السلام) فرمودند که كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ پروردگار من با من است و من را قطعاً هدایت می‌کند بالاخره راه باز شد و حضرت عبور کردند.

از این گونه موارد در زندگی همه انبیاء مشاهده می‌کنیم که کار یک جاهایی بر آنها خیلی سخت می‌شود ولی بالاخره خدای متعال یاریشان می‌رساند من اگر توجه کنم اگر به یاد بیآورم که حضرت موسی اینطور حضرت عیسی اینطور حضرت ابراهیم در آن سخت‌ترین شرایط که ایشان را می‌خواستند در آتش بیندازند آنطور مورد عنایت قرار گرفت و نجات پیدا کرد. خدای متعال حضرت مریم را که با آن فشار سنگین تهمت روبرو شدند، چگونه خدای متعال حضرت عیسی را به زبان آورد و مطلبی گفتند که براءت حضرت مریم را از اتهامات ثابت کرد این نشان می‌دهد که توجه کردن به آنها خیلی ما را دلگرم می‌کند همینطور که خدای متعال انبیاء را یاری کرد یاری شامل ما هم خواهد شد اینکه خداوند می‌فرماید آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است این به عنوان یک قاعده کلی است فقط مربوط به انبیاء گذشته نیست هر کسی که در مسیر خدای متعال حرکت کند طبیعتاً اینطور خواهد شد پس سرگذشت انبیاء گذشته امیدآفرین است و همچنین توجه کردن به نعمت‌های خدا اینکه خداوند متعال چه نعمت‌هایی به ما داده که فکرش هم واقعاً شاید آدم نتواند بکند که چقدر خداوند به ما نعمت داده خدایی که آنقدر به ما علاقمند بوده ما مخلوق او هستیم و همیشه انواع نعمت‌های مادی و معنوی را به ما داده همین نعمت ارزشمند انقلاب اسلامی همین نعمت رهبری مثل حضرت امام و رهبر معظم انقلاب بالاترین نعمت‌های خداست که به ما داده و توجه کردن به اینها باز دل ما را گرم می‌کند که این نعمت‌ها ادامه خواهد داشت خدا کسی نیست که در یک شرایطی ما را رها کند یک وقت بد رفتاری‌های ما را کوتاهی‌های ما را عاملی قرار بدهد برای اینکه از تداوم بخشیدن به نعمت‌هایش بخواهد خودداری بکند.

بنابراین مورد چهارم هم این شد که ما توجه کنیم به بعضی از مسائلی که از ذهن ما دور شده یاد خدای متعال یاد انبیاء گذشته یاد سرگذشت‌هایی که برای پیشینیان اتفاق افتاد و یاد نعمت‌های خدا از جمله چیزهایی است که امید را در ما تقویت می‌کند.

یاد خدای متعال،
یاد انبیای گذشته،
یاد سرگذشت‌هایی
که برای پیشینیان
اتفاق افتاد و یاد
نعمت‌های خدا از جمله
چیزهایی است که امید
را در ما تقویت می‌کند.

